

نگاهی به دنیای تاریک شیطان پرستی



گفت‌وگویی فارس با محمدجواد ادبی

در این گفت‌وگو به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که هدف انسان از پرستش شیطان چیست؟ و چرا بشر امروزی در پی فنا شدن در نیروی شیطان است؟ ادبی در این گفت‌وگو، از شیطان پرستی به عنوان یکی از تاریک‌ترین و سیاه‌ترین گرایش‌های معنوی نام می‌برد.

گرایش انسان به عرفان و معنویت در عصر حاضر غیر قابل کتمان است، بشر امروزی بسان نیاکان خود در جست‌وجوی گمشده خود در آسمانها ست. معنویت به عنوان مقوله فطری حتی در عصری که خدا مرده است، می‌تواند کام تشنه بشر را سیراب کند. اما پناه بردن به دامن فرشته رانده شده از عرش الهی و اعتقاد به نیروی بی‌انتهای شیطان این روزها برای خود مشتریانی یافته که باعث ناخشنودی دینداران و دلسوزان شده است. شیطان دشمن سرسخت انسان که از خلقت حضرت آدم تا به امروز پی در پی با او به مخالفت پرداخته، اهمیت شناخت و نحوه مواجهه با او از موضوعات مهم قرآنی است. در قرآن درباره شیطان آمده است: شیطان موجودی از گروه جنیان است (کَهِف 50)، چون جنیان از جنس آتش بی دود هستند بنابراین شیطان نیز از آتش است (حجر 27، الرحمن 15)، او در مقابل رب دست به طغیان زد (مریم 44)، و به او کفر ورزید (اسراء 27)، علت کفر و عصیان او در مقابل خدا به دلیل تمرد از سجده به پای انسان بود (بقره 34)، چون انسان به اسماء الهی آگاهی یافته بود و شیطان از این علم بی بهره بود (بقره 21)، او جنس خود را که از آتش بود برتر از خاک که جنس آدم است می‌داند و بر این اساس کینه و دشمنی انسان را سخت به دل گرفته است (اعراف 22، یوسف 5، اسراء 53، فاطر 6، زخرف 62)، و با سرکشی که به درگاه رب نموده است (نساء 117) او را وادار به دخالت در کار خدا بدون داشتن علم و آگاهی کند (حج 3)، دشمنی خود را با آدمیان به رخ آنها بکشد (زخرف 62)، آنها را وادار به طغیان و غوا کند (اعراف 175)، و حتی با داشتن علم الهی نیز ممکن است این طغیان و غوا صورت پذیرد او سعی می‌کند به وسیله انسان خلقت خدا را دگرگون کند (نساء 119) و سعی می‌کند که حزبش را بر جهان مسلط کند ولی خداوند حزب او را دچار خسران می‌کند (مجادله 19)، و نهایتاً سعی می‌کند که با مسخ کردن انسان و تصرف او، عذاب خدا را برا او جاری سازد (ص 41)، و او را به سویی عذاب سعیر سوق دهد (لقمان 21)، در دلش دائماً حزن و اندوه جاری سازد (مجادله 10)، آنها را از آخرت بی اعتقاد گرداند و در قیامت آنها را در کنار خود محشور ببیند (مریم 66 الی 68).

شیطان در تمام داستان‌های کهن و در تمامی ادیان وجود دارد، شیطان آمده است تا انسان خلیفه‌الله نباشد. شیطان بسان تاریکی مطلق در مقابل روشنایی و نور رحمت الهی است. هر چند در ابتدا بشر سعی داشت تا از شیطان دوری کند و از شر او در امان باشد اما بشر امروزی در پی فنا شدن در نیروی شیطان است.

بر آن شدیم تا در پی این پرسش که هدف انسان از پرستش شیطان چیست؟ و شیطان به دنبال چیست؟ گفت‌وگویی را با یکی از محققین این عرصه انجام دهیم. حجة‌السلام و المسلمین محمد جواد ادبی دانشجوی دوره دکتری دین شناسی تطبیقی‌ست، که به صورت تخصصی مکاتب نوپدید دینی را مطالعه می‌کند. نویسنده چندین کتاب در زمینه عرفان و ادیان است، از جمله دو کتاب «آشنایی با دایره‌المعارف‌های ادیان» و «اسلام؛ تعامل یا تقابل با جهانی شدن» که به زودی منتشر خواهند شد. ادبی درباره اهداف شیطان پرستی و ترویج آن در بین جوانان می‌گوید: هدف اصلی شیطان پرستی، پوچ جلوه دادن زندگی بشری و نادیده انگاشتن معنویت و به محاق بردن پروردگار عالم، معلق نگه داشتن جوان ایرانی بین زمین و آسمان و معلق میان دین و خانواده، معلق بین اسلام و ایران، معلق بین حقیقت و مجاز است تا به پوچی برسد.

*معنویت گمشده بشر در قرن اخیر است، علت بازگشت انسان به معنویت چیست؟

هرجا که سر زدم همه در مرز بودن است کو مرز تازه‌ای که فراتر ز بودن است

انسان معاصر، به دنبال گمشده خود در اقلیم و مملکت روح است. در فضای زندگی مدرن همه دستاوردهای زندگی بشری در اعلی جایگاه خود محقق شده است، دوران مدرنیته، دوران سیطره، کمیت است. دورانی است که در فضا و موقعیت بشری، فقدان امکانات و دستاوردهای علمی بر بشر تحمیل نمی‌شود بلکه در فضای مدرن و موقعیت جاری امروز، نوعی تفرعن را بوجود آورده که این تفرعن موجب شده تا به تعبیر کتاب مقدس او در برج بابل (در دوران مدرن) سر بر آسمان بهساید و در برابر خداوند سرکشی کند. سرکشی انسان در دوران مدرن و در فضای زندگی امروز، از جانب دیگری فقدان معنویت را هم به بار آورده است، یعنی انسان معاصر، انسان گسسته از آسمان هست اما در عین حال نمی‌تواند به فطرت خود پشت کند. انسان امروز، در فضای زندگی مدرن، خود را ارضا شده نمی‌بیند، هنوز هم نقاط پنهانی هست که مدرنیته و پست مدرنیته به آنها پاسخ نداده و هنوز هم فضاهای تاریکی وجود دارد که تکنولوژی نتوانسته پاسخ روشنی به آنها بدهد. این اقلیم، اقلیم گم شده روح است. اگر دوران قرن بیستم را به تعبیر نیچه، دورانی بدانیم که خدا مرده است و در عین حال دیوانه نیچه با شمشیر آخته در شهر، فریاد می‌زند: که خدا را کشته‌ام. امروزه، مکاتب نو پدید دینی قرار است انتقام خداوند را بگیرند. اگر دوران قرن بیستم، دوران زیر رادیکال بردن خدا و کشتن او بود، قرن بیست و یکم، قرن انتقام الهی است، این انتقام الهی، در فضای ادیان کلاسیک وجود ندارد، خداوند در این ادیان رحمت خود را یک‌سره بر زندگی انسان گسترانیده و این رحمت تداوم داشته و خواهد داشت.

مکاتب نوپدید دینی، که به دنبال معنویتی فراتر از معنویت ادیان کلاسیک هستند، معنویتی را دنبال می‌کنند، که آموزه‌های فقهی ندارد، شریعتی به معنای اخص ندارد، دستاوردهای خاص حرام و حلال و باید و نباید ندارد، با این تفاسیر پیروان این مکاتب می‌گویند، عصر انتقام الهی فرا رسیده و آن خداوندی را که شما در گذشته کشتید امروز در قرن بیست و یکم می‌خواهد انتقام بگیرد. در نتیجه مکاتب نوپدید دینی بوجود می‌آیند. مکاتب نوپدید دینی از معنویت می‌گویند، اما معنویت آنها، ملمه‌ای‌ست از راست و دروغ، بین عالم فیزیک و متافیزیک است و سعی می‌کند بین این دو ارتباط برقرار کند. در این بین معنویت نقش پل ارتباطی را ایفا می‌کند.

* انسان، به فطرت خود وابسته است و در پی تمناي این فطرت به معنویت‌های نوگرا گرایش می‌یابد، این معنویت‌ها به دنبال چه هستند؟ چه چیزی را می‌پرستند و چه آیین‌هایی دارند؟

مباحثی چون دین‌های نوظهور، فرقه‌های جدید و مکاتب نوپدید دینی، اولین بار در علوم اجتماعی پس از جنگ جهانی دوم مطرح شدند. این ادیان سعی می‌کردند به برخی پرسش‌های غایی بشر و پرسش‌های وجودشناسی انسان پاسخ دهند.

از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود، به کجا می‌روم، آخر نمایی و وطن

به پرسش‌های این شعر در ادیان الهی پاسخ‌های روشنی داده شده است، اما برخی از زمینه‌ها باعث شد که برخی از ادیان کلاسیک به پس‌زمینه زندگی انسان مدرن رانده شوند و توانایی پاسخ دادن به سؤالات امروزی بشر را نداشته باشند. زمینه را برای مکاتب نوپدید دینی فراهم کرد تا به پرسش‌های غایی انسان پاسخ دهند. پرسش‌هایی که می‌کوشید، خدا را درون انسان‌ها حاضر کند و در پاسخ‌های خود تلاش می‌کرد، فضای زندگی بشر امروز را به نوعی آرامش زودگذر ارتباط دهد.

مکاتب نوپدید دینی در پی پاسخ‌های غایی انسان بوده و هستند، اما این پاسخ با مسیر ادیان الهی و یا ادیان کلاسیک یکی نبود، بلکه راه متفاوتی را در پیش گرفتند. ادیان کلاسیک به واسطه برخی مسائل نتوانستند خود را به‌روز کنند و یا به‌روز شدن‌شان با مسائل زندگی امروز هماهنگ نشد و انسان امروزی نتوانست، به سادگی از یهودیت، مسیحیت، بودایسم و.... برداشت‌های دوران مدرن خود را استفاده کند، یک نقبی به عالم معنا زد، اما با روشی جدید که در مکاتب نوپدید دینی وجود داشت. مکاتب نوپدید دینی پاسخ وجود شناسانه به پرسش‌های بشری می‌دهد، اما به این پرسش‌ها در ادیان کلاسیک پرداخته نشده است.

هرچه پیش می‌رویم، ادیان نوظهور، حضورشان را در زندگی امروز، بیشتر تحمیل می‌کنند؛ اولاً به دلیل اینکه شریعت خاصی ندارند، ثانیاً بخش خاصی از جامعه را هدف قرار نمی‌دهند و ادعای جهانی دارند. ثالثاً آیین‌ها و آموزه‌هایشان بسیار ساده و با زبان امروزی و در دسترس است، رابعاً مدعی‌اند، راهی که پیامبران کلاسیک نتوانستند فراهم کنند، در دوران مدرن با پیامبران جدید پیش‌روی انسان قرار دارد.

در دایره‌المعارف ادیان جدید که به تازگی در انگلستان منتشر شده، بیش از 2500 دین و مرام جدید که هر کدام متدینین و مؤمنین خاص خود را دارند شناسایی شده است. برخی از این ادیان و مکاتب بسیار فعال هستند مانند «کلیسای شیطان»، «شاهدان یهوه»، «کلیسای علم‌شناسی»، «فرزندان خداوند»، «اکنکار» (دین‌نور و صورت)، «مورمون‌ها» و «جامعه بین‌المللی وجدان کربشنا»، که فضای عینی و تبلیغات رسمی را در سطح جهان دارند.

برخی دیگر هم مانند، زیرمجموعه دن و بودیسم، که در ایران تحت عنوان اوشو تبلیغ می‌شوند وجود دارند. دسته دیگری از این ادیان هم بیشتر مجازی‌اند و در اینترنت فعالیت می‌کنند و در فضاهای عینی حضور ندارند.

* شیطان پرستی، به عنوان یکی از این مکاتب نوپدید دینی است که بحث اصلی این گفت‌وگو نیز می‌باشد. شیطان کیست و یا چیست؟ از انسان چه می‌خواهد؟ انسان از پرستش شیطان چه هدفی را دنبال می‌کند؟

هر ساعت از نو، قبله‌ای با بت پرستی می‌رسد توحید بر ما عرضه کن تا بشکنیم اصنام را

در طول تاریخ بشریت، شیطان یک مفهوم و نماد وسوسه انسانیست، کسی و یا چیزی است که در فضای زندگی بشر، او را به سوی دوزخ، افول، زندگی همراه با نکبت فرا می‌خواند.

شیطان، در برابر قوانین الهی می‌ایستد، قوانین جامعه را به سخره می‌گیرد، نوعی زندگی سرشار از نفرت، تهی وارگی و همراه با نوعی خشم و نسبت به اخلاقیات را به همراه دارد.

شیطان در ادبیات عرفانی ما، شخصیتی است که مظهر وسوسه‌های عمیق انسانی است. در ادبیات ادیان، جایگاه و پایگاه او ضد مسیح است و در مرتبه بالاتر ضد خداوند است. اما در هستی، به معنویات و اخلاقیات معنا می‌دهد، البته این معنا دادن به معنی داور نیست.

اگر شیطان نبود که انسان را وسوسه کند، اگر فضای زندگی انسان یک‌سره در بهشت بود و هبوطی رخ نمی‌داد، معنای زندگی برای بشر دست‌نیافتنی نبود، اگر امکان وسوسه نبود، سره از ناسره تشخیص داده نمی‌شد، در اکثر ادیان کلاسیک، شیطان کسی است که در هستی جایگاهی دارد، این جایگاه هم به واسطه وسوسه انسان است. بر اساس عرفان اسلامی با کشتی گرفتن با او، موحدین از غیر موحدین تشخیص داده می‌شوند. شیطان نقش یک وسوسه‌گر را دارد. جایگاه شیطان، از هستی و زندگی انسان قابل حذف نیست، نقش شیطان در هستی یک‌سره منفی است، اما برای توحید و برای رستگاری، جایگاه شیطان، قابل توجه است. با وجود شیطان است که می‌توان به معنای فضیلت و رذیلت پی برد. امکان اختیار و زندگی اخلاقی در مقابل زندگی غیر اخلاقی با شأن و جایگاه منفی اما حقیقی شیطان قابل بررسی است.

*راز پرستش شیطان چیست؟

قدرتی که بشر امروز با شیطان‌پرستی به دنبال آن است با اقتدار معنوی تفاوت دارد، قدرت شیطان‌پرستی، قدرت زودگذری است که در فضاهای مختلف نمی‌تواند خودش را در بالاترین جایگاه قرار دهد اما اقتدار معنوی به واسطه پشتوانه و جایگاهی که نسبت به خداوند عالم و نسبت به وحی الهی دارد، همیشه در بالاترین موقعیت می‌ایستد. نور خداوند همیشه - حتی اگر مشرکان نخواهند - انتشار می‌یابد. رسولان الهی آمده‌اند تا نور و شفقت الهی را گسترش بدهند. علت اینکه چرا انسان‌ها در دوران مدرن دنباله‌رو شیطان می‌شوند و شیطان پرستی را ملجا خود قرار می‌دهند، دلایل مختلفی دارد، بخشی از آن تحلیل روانی دارد و بخش دیگری نیز تحلیل دینی و جامعه‌شناختی است. انسان‌هایی که از درون، افسار گسیخته هستند و به آرامش درونی و آسایش بیرونی دست نیافته‌اند به دنبال ملجا و جایگاهی برای جبران افسار گسیختگی شان هستند، شیطان پرستی بهترین ملجا و پناه برای این افراد است. در شیطان پرستی همه چیز مجاز است، در این آیین سیاه، هر نوع لباس و پوشاک و هر نوع خوراکی مجاز است و هر نوع رفتار و ادبیاتی بدون محدودیت و بدون هیچ ساختار مشخصی آزاد است.

انسان افسار گسیخته‌ای که از محدودیت فراری است و مسئولیت اعمال خود را به هیچ عنوان نمی‌پذیرد، بهترین ملجا و پناهش شیطان پرستی است. شیطانی که از عالم تاریکی و عمق بدی و پلشتی، ندا می‌دهد که آزادی مطلق و هر آنچه که می‌خواهید نزد من است. به سوی من بیاوید بدون هیچ محدودیتی. شیطان با شیور انکار خودش بسیاری از انسان‌های برون جسته از فضای وحدانی را به سمت خود می‌کشد و موجب می‌شود تا شاخه‌ای در دین یژوهی تحت عنوان «شیطان‌پرستی» بوجود بیاید یا به بیان دقیق‌تر کلیسای شیطان شکل بگیرد. هر چند در نگاه دینی، شیطان نادیده انگاشته می‌شود.

در نگاه جامعه‌شناختی، پیروان شیطان افرادی هستند که ادعاهای خاصی دارند و تصور می‌کنند، راه نجات را یافته‌اند و می‌خواهند آن را به بشر ارائه دهند.

* شیطان پرستی، دارای دسته‌بندی‌هایی هم هست؟

برای این آیین دروغین، دسته‌بندی‌هایی وجود دارد، که اغلب به دو دسته شیطان پرستان فلسفی و دینی تقسیم می‌شوند. شیطان پرستی فلسفی، مبادی زندگی وحدانی و عدالت الهی را در کائنات زیر سوال می‌برد، خداوند را به عنوان قدرت وجود کائنات می‌پذیرد، اما علم و حیات و قدرت مطلق خداوند و آخرت را نمی‌پذیرد. به طور استعاری می‌توان گفت که دستان خداوند را فرو می‌بندد. این نوع از شیطان‌پرستی سعی می‌کند که حضور خداوند را در زندگی انسان کم کند.

در شیطان پرستی دینی، خدا به محاق می‌رود و شیطان در جایگاه خدا می‌نشیند. نمادهای تخیلی-وهمی همراه با بت پرستی جدید که در قالب‌های پوشاک، رفتار، ادبیات و نوع خاصی از آرایش است. مطلقاً نمی‌توان ادعان کرد که شیطان پرستان به معنای فلسفی شیطان پرستی رسیده‌اند، اما نمی‌توان انکار کرد که این افراد ممکن است به شیطان پرستی دینی هم برسند. برخی افراد هم بواسطه متفاوت بودن شیطان پرستی را می‌پذیرند. به هر حال نقطه آغاز گرایش به شیطان متفاوت است. خطر و پلیدی شیطان پرستی دینی به مراتب شدیدتر و جدی‌تر از شیطان‌پرستی فلسفی است.

شیطان پرستی دینی، بر زندگی و روان فرد تأثیراتی را می‌گذارد که باعث اغتشاشاتی در اجتماع و از بین رفتن نهاد خانواده، نابودی امنیت فردی و در نهایت به مسائلی چون خودکشی و استفاده از مواد مخدر و داروهای روان‌گردان ختم می‌شود.

* ادیان مختلف آیین‌ها، مناسک، مراسم خود را دارند، آیین و مناسک شیطان پرستی چیست؟ و پیروان شیطان در مناسک خود چه اعمالی را انجام می‌دهند؟

برای آشنایی بهتر لازم است نگاهی به کلیسای شیطان بیندازیم. کلیسای شیطان در سال 1966 در شیکاگو توسط «آنتوان لوی» بنیان گذاشته شد. لوی در 30 آوریل همین سال خود را «اسقف اعظم کلیسای شیطان» می‌نامد و لقب پاپ سیاه را برای خود برمی‌گزیند. در کلیسا قرار می‌گیرد اما اعمال غیر متعارفی را انجام می‌دهد. اعمالی چون استفاده و نوشیدن خون، غسل تعمید با خون و استفاده از اجساد مردار حیوانات جزئی از شعائر آنها به شمار می‌رود. به بیان دقیق‌تر؛ زنا با محارم، تجاوز و سوء استفاده جنسی کودکان در انظار عمومی، عریان شدن در میان جمع همراه با رقص آتش، همراهی با موسیقی دهشتناک و مدرن و استفاده از نمادهایی که گاهی صهیونیستی است، بخش دیگری از شعائر شیطان پرستان است. استفاده از مشروبات الکلی، مواد مخدر و موادی که در زندگی مورد توجه نیستند و اکثراً ناپاک به شمار می‌روند در شیطان‌پرستی مباح است. در واقع در این آیین ناپاکی جایگزین پاکی می‌شود. در این آیین هیچ‌گونه، حریم و یا خط قرمزی وجود ندارد. مسئولیت‌پذیری انسان نادیده گرفته می‌شود، همه چیز در زمان حال وجود دارد. مردان زن پرست، دختران تن پرست، چشمان هرزه بین، گام‌های هرزه پو.

* لباس، آرایش و مد ، یکی از ابزارهای شیطان پرستی است، متأسفانه این روزها در خیابان‌های شهرمان شاهد جوانانی هستیم که ظاهر و پوشش‌شان بیانگر شیطان پرستی است، درباره لباس و آرایش شیطان پرستان توضیح بیشتری دهید؟

مدگرایی، سطحی‌ترین زاویه برخورد ما با شیطان پرستی است. اولین فصل متمایز شیطان پرستی نوع لباس، پوشاک و ادبیات است. استفاده از نمادهایی که در آن عدد شش به کار رفته ، صلیب شکسته معکوس، مثلثی که در درون آن عکس یک بز وحشی در داخل یک دایره قرار گرفته، ستاره پنج پر که نماد اصلی صهیونیستی‌هاست ، استفاده فراوان و شدید از رنگ قرمز و سیاه در آرایش‌ها، آرایش موی سر به شکلی که هیچ‌گونه نظمی در آن نباشد به رنگ‌های سیاه، قرمز و نارنجی، کوتاه‌کردن موهای سر به شکل‌های عجیب و به نحوی خاص، نزدیک شدن به نمادهای فاشیستی و هیتلری در فضای جدید امروزی، پوشیدن لباس‌های کاملاً غیرمتعارفی که هم بدن را نشان می‌دهد و هم نشان نمی‌دهد. اینها بخشی از اقدامات شیطان پرستان در مدگرایی است.

* با این تفاسیر جوانان باید آگاهانه لباس بپوشند، اما این آگاهی به طور صحیح و اصولی به جوانان ارائه نشده است؟

شیطان پرستی به معنای دینی و حتی فلسفی آن در کشورمان، طرفداران بسیار اندک و ناچیزی دارد. اما به لحاظ نمادها، در سطح شهرها، نمادها و پوشش‌های شیطانی مشاهده می‌شود. در گفت و گوهایی که با جوانان با پوشش‌ها و تیپ‌های شیطانی داشته‌ام همگی اقرار کرده‌اند هدفشان از این نوع پوشش فقط متفاوت و متمایز بودن از دیگران است. اصلاً از موضوعی به نام شیطان‌پرستی اطلاعی ندارند، با این تفاسیر آنان شیطان‌پرست نیستند. مد همیشه معنای منفی ندارد و در صورتی که به سنت‌ها، باورها، تاریخ و هویت‌مان بازگردد، مثبت می‌شود. مد اگر به صورت غذایی نیم خورده از غرب به ما برسد، موجب می‌شود تا آن غذای نیم خورده را نشخوار کنیم.

* آیا آماری در زمینه شیطان‌پرستی و جایگاه و تعداد آنان در کشور وجود دارد؟

آمارهای رسمی و غیررسمی که در این زمینه در دسترس پژوهشگران وجود دارد، نمایانگر این است که در کشور، مجالس و مهمانی‌هایی به نام

شیطان و شیطان‌پرستی برگزار می‌شود. در این مهمانی‌ها بیشتر، موسیقی‌های راک، هوی متال و موسیقی‌هایی که خشونت در آن مجاز می‌باشد به همراه رقص‌های آتش، استفاده از مشروبات الکلی، مواد مخدر صنعتی و روانگردان نمایان است.

اگر دستاوردهای عمیق عرفان اسلامی به جوانان معرفی شود و پوچی و تهی‌واری شیطان‌پرستی را نمایان کنیم، شاهد ریزش پیروان هر چند ناچیز شیطان‌پرستی خواهیم بود.

هدف اصلی شیطان‌پرستی، پوچ جلوه دادن زندگی بشری و نادیده انگاشتن معنویت و به محاق بردن پروردگار عالم، معلق نگه داشتن جوان ایرانی بین زمین و آسمان و معلق میان دین و خانواده، معلق بین اسلام و ایران، معلق بین حقیقت و مجاز است تا به پوچی برسد. اکثر افرادی که پیرو شیطان‌پرستی هستند در نهایت به پوچی رسیده و خودکشی می‌کنند.

* آمار قطعی و یا به صورت درصدی وجود ندارد؟

البته، آمارهای دقیقی در برخی زمینه‌ها وجود دارد. اما شیطان‌پرستی آن‌گونه در انگلستان، آمریکا و کشورهای غربی وجود دارد به هیچ‌وجه و با آن شدت و گستردگی در ایران وجود ندارد. شیطان‌پرستی در ایران در سطح نمایش و نمادها جلوه‌گری می‌کند. تعداد افرادی که به معنای خاص شیطان‌پرست باشند بسیار ناچیز و انگشت‌شمار است.

* علت اصلی گسترش خودکشی میان شیطان‌پرستان چیست؟

شیطان‌پرستی به انسان می‌آموزد که باید روح خود را با خودکشی به شیطان هبه کرد. با گذشتن از مهمترین هدیه خداوند که همان جان انسان است باید روح خود را در اختیار شیطان قرار دهی. باید تنها فرصت زندگی‌ات را به شیطان بفروشی با نادیده گرفتن عدالت الهی و افق امید به آینده زندگی که پیشروی یک جوان وجود دارد.

* شیطان‌پرستان در چه حوزه‌ها و عرصه‌هایی به فعالیت می‌پردازند؟

سینما، یکی از مهمترین حوزه‌های فعالیت شیطان‌پرستان است. از موسیقی برای ترویج و تبلیغ نهایت استفاده را می‌برند. ورزش هم از حوزه‌هایی که شیطان‌پرستان در آن فعالیت دارند البته به صورت پنهان اقدام می‌کنند، برخی از ورزشکاران مطرح در غرب پیرو شیطان‌پرستی هستند و عده‌ای دیگر از این ورزشکاران خود را در حیطه‌ای که منجر به شیطان‌پرستی است قرار می‌دهند.

شاخه‌هایی از شیطان‌پرستی و حتی برخی مکاتب نوپدید دینی با صهیونیسم در ارتباط هستند به لحاظ مالی از صهیونیستها کمک می‌گیرند البته نمی‌توان همه مکاتب نوپدید دینی را به صهیونیسم ارتباط داد. نگاهی که همه چیز را در این عرصه توطئه‌آمیز ببیند پژوهشگرانه و علمی نیست. مدارکی وجود دارد گواهی می‌دهند که صهیونیستها در کمک و مساعدت به شیطان‌پرستی و دیگر فرقه‌های نوظهور، از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند. عرفان یهودی که تحت عنوان قباله یا اصطلاح انگلیسی آن «کابالا» است، زمینه‌هایی، مکاتب نوپدید دینی و از جمله شیطان‌پرستی را فراهم می‌کند. عرفان عدد، عرفان نماد، عرفان قدرت پیدا کردن در هستی، عرفان تصرف در کائنات در معنای منفی خودش، از جمله مواردی است که بشر گسسته از عالم معنا به دنبال آن است. بشر گسسته از خدا، به دنبال نوعی اقتدار مجازی است که البته هیچ‌گاه به آن دست نخواهد یافت، به دلیل اینکه تنها وهم و سرابی از این اقتدار را تجربه کرده است.

* هدف صهیونیسم، از کمک به شیطان‌پرستی و ایجاد ادیان جدید چیست؟ اقدامات صهیونیستها و یهود از پرداختن به مباحثی چون فراماسونری، پرستش شیطان و دیگر گروه‌های این چنینی چه کمکی به آنان می‌کند؟

البته فراماسونری، شیطان‌پرستی نیست. فراماسونری دسیسه وسیع سیاسی و اجتماعی است، برای به انحراف کشاندن نخبگان یک جامعه است. هر چند بخشی از اقدامات فراماسون‌ها می‌تواند شیطان‌پرستی و یا استفاده از نمادهای شیطانی و یا مجاز شمردن برخی از اعمال شیطان‌پرستان باشد. صهیونیسم، در پی‌رخه در ادیان کلاسیک است، صهیونیسم، خود یک مکتب نوپدید دینی است و موقعیتی مجازی و خود ساخته دارد و از مکاتب وهمی است. هر جا که ندای تفرعن و ندای تاریکی و رذالت به میان می‌آید، در پس‌پرده و نقاب، صهیونیسم مخفی شده است. ثروت، رسانه‌ها و

موقعیت خاص رسانه‌ای ابزارهای اصلی صهیونیست‌هاست. دستاوردهای خاصی که از همکاری و همراهی رسانه و صهیونیسم، در قالب فیلم، موسیقی، کتاب، مجلات و عکس بدست می‌آید و بهره‌ی که حاصل می‌شود، همگی حکایت از پشتیبانی صهیونیست‌ها در این عرصه دارد. صهیونیست‌ها غیر حقیقی هستند و هر جا که غیر حقیقتی وجود دارد، خودشان را با آن همراه کنند. صهیونیسم یک انحراف دینی است.

*در شیطان‌پرستی، با عناوینی چون کلیسای شیطان، انجیل سیاه و... که برگرفته از مسیحیت است برمی‌خوریم، علت چیست؟

انجیل اربعه، تنها دستاورد جدی و قابل پذیرش در عالم مسیحیت هستند. انجیل هفتاد سال پس از مصلوب شدن عیسی، نوشته شده است. یک فاصله تاریخی بین عیسی (ص) و انجیل وجود دارد. در کنار انجیل‌های قانونی، شاهد انجیل‌های غیرقانونی و غیر رسمی (اپوکریفا) هم هستیم. این انجیل‌ها که تعداد فراوانی هم دارند، در میان «مورمون‌ها»، «متدیست‌ها» و حتی در فضاها غیر رسمی پروتستان‌ها هم وجود دارد، می‌توان یک کتاب جدید به نام انجیل شیطان (bible of satan) هم وجود داشته باشد. حوزه انجیل این فرصت را فراهم می‌کند تا هرکسی بتواند به نام انجیل و عیسی سخنی بگوید و از حقیقت ندایی در بیاورد! اسلام تنها دینی است، که پیامبر بر سر متن دین ایستاده و از ابتدا و تا انتها به واسطه‌ای این که متون کاملاً الهی هستند، نظارت کرده و نوشته شده است. به همین دلیل است که در اسلام کمترین جنبش‌ها و مکاتب دینی را شاهد هستیم. معدود مکاتبی هم که وجود دارند ناشی از فعالیت و خواست استعمار است. بهایی‌ها و وهابیان، با حمایت و پشتیبانی آمریکا، انگلیس و صهیونیست‌ها بوجود آمده‌اند. بیشترین مکاتب نوپدید دینی در آیین مسیحیت بوجود آمده است.

*علت پیدایش این همه مکاتب نوپدید از آیین مسیحیت چیست؟

حضرت مسیح، غیر از چند مورد معدود، هیچ‌گاه خود را پیامبر معرفی نکرده، ثانیاً انجیل‌ها پس از مصلوب شدنش نگاشته شده‌اند، ثالثاً تشتت در کلیساهای مسیحی و تلاش برخی برای اینکه با زبان خود و فهم خود، با مسیح همراهی کنند، مزید بر علت شد تا این آتش افروخته‌تر شود. امروزه کلیساهای فراوانی وجود دارند که هیچ‌کدام دیگری را به رسمیت نمی‌شناسند. در چنین فضایی تشتت و مسمومی، امکان روییدن قارچ‌های سمی هم وجود دارد.

*وضعیت شیطان‌پرستی در جوامع اسلامی را چگونه می‌بینید؟

در کشورهای عربی، به دلیل نگرش سنت و یا همان سنی بودن، در نسل‌های گذشته، شیطان‌پرستی جایگاهی نداشته است، در نسل‌های جدید، مگر به واسطه ماهواره، اینترنت و دیگر وسایل ارتباط جمعی، شاید تا حدی ورود پیدا کرده باشد، شیطان‌پرستی در کشورهای عربی جایگاه مستحکمی ندارد.

*نقش سرویس‌های امنیتی غربی مثل سیا، موساد و... را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به عنوان یک کارشناس دین‌پژوهی نمی‌توانم پاسخ روشنی بدهم. این سؤال را باید از متخصصان امنیتی پرسید. سازمان‌های جاسوسی، حتماً از این ابزار که خیلی هم فانتزی است بهره می‌برند هدف‌شان هم کسب اطلاعات از جوامع و از بین بردن فرهنگ‌ها و رسوخ در جوامع است.

* برای جلوگیری از گسترش شیطان‌پرستی و دیگر مکاتب نو پدید و عرفانی‌های دروغین چه باید کرد؟

دفاع عارفانه از دین، بهترین و مهمترین عامل است. پرداختن به پرسش‌های جدید جوانان بدون هیچ محدودیت و هیچ انگ و برچسب

تخریب‌کننده‌ای، پذیرفتن این نکته که دین در همه زمان‌ها و مکان‌ها و در میان همه اقشار می‌تواند حرف نو و جدیدی برای گفتن داشته باشد، باید هنر استخراج این یافته‌های نو را داشته باشیم. و از همه مهمتر آشنایی عالمان و حاکمان دینی، با مکاتب نوپدید و انحرافات آنهاست. همراهی بیشتر با جوانان و شفقت بیشتر با طیف جوان که مملو از انرژی، زندگی و در عین حال متفاوت بودن است. البته باید حساسیت بیشتری را نسبت به موضوعات و مسائل اعتقادی و عرفانی جامعه و جوانانمان داشته باشیم.

گفت‌وگو: رضا پیرهادی